

•
•

كلود ريوير

جامعه-انسان شناسی ادیان

•

ترجمه و توضیح: علیرضا خدای



فهرست مطالب

دییاجه مترجم.....	۱۳
پیش گفتار.....	۱۹
پرسش‌های راهنما برای یک طرح پژوهشی.....	۲۰
پراکندگی رشته‌ای در علوم ادیان.....	۲۲
بخش نخست: میدان انسان‌شناسی دینی.....	۳۳
فصل نخست: دین و امر قدسی.....	۳۵
پرسش‌های انسان‌شناسی درباره دین.....	۳۵
دین و ادیان.....	۳۵
در جست‌وجوی امر یقین.....	۳۷
میدان خاص امر دینی.....	۴۱
کارکردهای دین.....	۴۲
به امر قدسی بیش از اندازه بُعدی وجودشناختی داده شده است!.....	۴۶
هاله معنایی.....	۴۶
دیالکتیک نوسانی امر قدسی و امر غیر قدسی.....	۵۱
دگرگونی‌ها و کثرت‌یابی امر قدسی در جهان امروز.....	۵۲
ذات‌زدایی از امر قدسی.....	۵۴
فصل دوم: سیماهای فرضی دین ابتدایی.....	۶۰

۶ جامعه - انسان‌شناسی ادیان

۶۰	روح اشیا.....
۶۰	طبیعت‌گرایی.....
۶۲	فتیشیسم.....
۶۵	جان‌انگاری.....
۶۷	پرستش ارواح نیاکان و کیش‌های مربوط به آنها.....
۶۹	چند مفهوم فتیشی: توتم، مانا، تابو.....
۶۹	توتمیسم.....
۷۲	مانا، نیرویی گمنام و پراکنده.....
۷۴	تابوها و پرهیزه‌ها.....
۸۳	فصل سوم: نمایی کلی از تاریخ انسان‌شناسی دینی.....
۸۳	مباحث ابتدایی.....
۸۳	نظرورزی‌های فلسفی - روان‌شناختی.....
۸۹	چشم‌اندازهای جامعه‌شناختی.....
۸۹	مکتب دورکیمی.....
۹۴	جریان وبری.....
۹۷	جامعه‌شناسی اعمال و فرائض کاتولیک در فرانسه.....
۹۹	نمادها و کارکردها.....
۹۹	روان‌کاوی و نمادها.....
۱۰۰	کارکردگرایی انگلوساکسون.....
۱۰۳	انسان‌شناسی دین در فرانسه.....
۱۰۵	چشم‌اندازهای گشوده‌شده توسط دومزیل و الیاده.....
۱۰۷	ملاحظات روش‌شناختی.....
۱۱۷	بخش دوم: باور به اساطیر.....
۱۱۹	فصل چهارم: رمز‌گشایی روایات اسطوره‌ای.....
۱۲۰	ویژگی‌های اصلی اسطوره.....
۱۲۰	روایت تصویری‌شده.....
۱۲۱	شیوه نمادی - استعاره.....
۱۲۲	چندمعنایی.....

فهرست مطالب ۷

۱۲۲	بیرون از زمان
۱۲۳	حوزه احساس
۱۲۴	سوگیری معطوف به کنش
۱۲۴	عقلانیت قوه خیال
۱۲۵	تفاوت‌های موضوعی و سطوح دریافت
۱۲۵	چند خوانش ممکن
۱۲۵	خوانش روان‌کاوانه
۱۲۷	خوانش ساختارگرا
۱۳۲	خوانش کارکردگرا
۱۳۵	خوانش مردم‌شناختی
۱۳۸	زمان‌مندی اساطیر
۱۳۸	سویه تاریخی
۱۴۱	سویه پویاگرا
۱۴۵	اساطیر مدرن موجود در قلب ایدئولوژی
۱۵۶	فصل پنجم: باورهای دینی: صورت و محتوا
۱۵۶	پدیده باورداشتن
۱۵۶	اعتقاد شخصی و درونی
۱۶۰	گونه‌گونی باورها
۱۶۲	محتوای متعالی باورهای دینی
۱۶۲	خدایان و قدرت
۱۶۳	درون‌مایه‌های اسطوره‌ای
۱۶۵	کیهان‌زادشناسی‌ها و انواع خدایان
۱۶۷	دریافت‌ها از انسان
۱۶۷	شخص
۱۷۰	جان و روح
۱۷۱	اسطوره و منسک
۱۷۷	بخش سوم: اعمال مناسکی
۱۷۹	فصل ششم: نظریه‌هایی درباره مناسک

۸ جامعه - انسان‌شناسی ادیان

۱۸۰	تعاریف و طبقه‌بندی‌ها
۱۸۳	تفاسیر مربوط به مناسک
۱۸۴	ساختار، کارکرد، پویایی
۱۸۶	مناسک دینی، سیاسی و غیر قدسی
۱۹۰	فصل هفتم: پاکسازی و کفاره
۱۹۰	مناسک پلشتی‌زدایی
۱۹۰	شرّ کجاست؟
۱۹۳	پاک‌شدن
۱۹۵	دعا
۱۹۵	اشکال گوناگون
۱۹۸	چگونگی اجابت دعا
۱۹۹	گفته‌های معنادار در دعا
۲۰۰	قربانی
۲۰۰	کشاکش آرا و نظریات
۲۰۲	قربانی مراسمی جهان‌شمول نیست
۲۰۳	نقش‌های سلسله‌مراتبی شده
۲۰۴	مراحل منسک قربانی
۲۰۶	حالت‌مندی‌های موقعیتی و فنی
۲۰۷	اهداف و انگیزه‌ها
۲۰۷	معانی قربانی
۲۰۸	اصول و قواعد تعریف
۲۱۲	فصل هشتم: جشن‌های زندگی و نشانه‌های آسمانی
۲۱۲	مناسک مربوط به مراحل مختلف حیات
۲۱۲	رازآموزی سن بلوغ
۲۱۵	مناسک تولد
۲۱۷	مناسک مرگ
۲۱۸	جشن‌های نوبه‌نوشدن اجتماعی
۲۱۸	امر دیونیسوسی جهان‌شمول نیست
۲۲۰	داده‌هایی پراکنده از فرهنگ‌های مختلف

فهرست مطالب ۹

۲۲۲	 مناسک به مثابه نشانه
۲۲۲	 غیب‌گویی
۲۲۶	 آیین‌های تسخیرشدگی
۲۳۹	 بخش چهارم: در حواشی دین
۲۴۱	 فصل نهم: بازتفسیر جادو
۲۴۳	 تفاسیر گوناگون
۲۴۳	 نظریه‌های خردورزانه
۲۴۵	 نظریه‌های مبتنی بر عاطفه
۲۴۶	 نظریه‌های مبتنی بر امر اجتماعی-فرهنگی
۲۴۷	 جادو و دین
۲۴۹	 متخصصان و مناسک
۲۴۹	 جادوگر رازآموخته
۲۵۲	 مناسک: شرایط، رده‌بندی‌ها
۲۵۳	 معنای رفتار جادویی
۲۵۵	 دنیای مدرنِ امر غیبی
۲۵۵	 متغیرهای اجتماعی، صوری و علی
۲۵۶	 مواد و مصالح درهم‌گرایی
۲۶۴	 فصل دهم: بازبینی سحر
۲۶۵	 نشانه‌های توصیفی
۲۶۵	 چهره‌های [دخیل در] سحر
۲۶۶	 ویژگی‌های ساحران
۲۶۷	 پیشگیری و مجازات
۲۶۸	 سحر در اروپا
۲۶۸	 عصر محکمه‌ها
۲۷۰	 شایعات امروزی
۲۷۲	 شیطان‌پرستی نوین
۲۷۶	 سحر کهن و مدرن افریقایی
۲۷۹	 منطق‌های تفسیر سحر

۱۰ جامعه - انسان شناسی ادیان

۲۷۹	تبیین های کارکردگرا.....
۲۸۰	نظریه های مربوط به بحران های اجتماعی.....
۲۸۱	اختلالات قوه خیال.....
۲۸۲	تفاسیر بحث برانگیز.....
۲۸۹	فصل یازدهم: بازفعال شدن شمنیسم.....
۲۹۰	توانایی های اکتسابی شمن.....
۲۹۰	خلسه یا عروج.....
۲۹۲	حرفه و رازآموزی شمنی.....
۲۹۶	فعالیت های درمانی، معنوی و اجتماعی شمن.....
۲۹۶	فنون فرد شفادهنده.....
۲۹۷	جان ها و ارواح دستیار.....
۲۹۹	شمن و جامعه او.....
۳۰۲	شیفتگی به شمنیسم در جهان امروز.....
۳۰۲	آزمون های سخت و تداوم شمنیسم.....
۳۰۴	جاذبه شمنیسم و تجاری شدن.....
۳۱۱	بخش پنجم: پویایی های دینی امروز.....
۳۱۳	فصل دوازدهم: رازدایی یا شور و هیجان دینی؟.....
۳۱۴	جهان لائسیزه.....
۳۱۴	محدودیت های نظریه های سکولاریزاسیون.....
۳۱۷	ادیان عامه در حالت نهفتگی.....
۳۲۰	افول ادیان زادبومی.....
۳۲۲	سیلاب های سهمگین.....
۳۲۲	پیشروی ادیان بزرگ.....
۳۲۴	جنبش های جدید دینی و فرقه ها.....
۳۲۸	جریان های بنیادگرا.....
۳۴۴	فصل سیزدهم: دگردیسی های دینی در جهان سوم.....
۳۴۴	پیام آورگرایی ها و آیین های جدید.....
۳۴۴	پدیده هایی ضد فرهنگ پذیری؟.....

فهرست مطالب ۱۱

۳۴۹	بستر ظهور پیام‌آوری‌ها.....
۳۵۱	گوناگونی و گسترش موعودگرایی.....
۳۵۳	بازآمدهای اسطوره‌ای و مناسکی.....
۳۵۳	موضوعات اساطیر.....
۳۵۶	عناصر ثابت آیین‌های نوین در افریقا.....
۳۵۸	درهم‌گرایی.....
۳۵۸	فرایندهای درهم‌گرایی.....
۳۶۲	درهم‌گرایی‌های گونه‌گون.....
۳۶۷	گسست و یگانگی.....
۳۷۳	نتیجه‌گیری: دین و مدرنیته.....
۳۷۳	ویژگی‌های پست مدرنیته.....
۳۷۵	بحران کاتولیک.....
۳۷۷	نوسان باورها.....
۳۸۳	کتاب‌شناسی.....
۳۸۹	اصطلاح‌نامه.....
۳۹۳	نام‌نامه.....

دیباجه مترجم

کلود ریویر استاد ممتاز دانشگاه‌های پاریس ۵، سوربن و رنه دکارت و پژوهشگر برجسته انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی است. وی همچنین آثار انسان‌شناسان پرآوازه‌ای مانند کارل پولانی و ادوارد ایونز-پریچارد را به جهان فرانسوی زبان ترجمه و معرفی کرده است. پیشتر دو کتاب او به‌اهتمام ناصر فکوهی به فارسی برگردانده شده است: *درآمدی بر انسان‌شناسی* (چاپ نخست، ۱۳۷۹) و *انسان‌شناسی سیاسی* (چاپ نخست، ۱۳۸۲)، که هر دو را نشر نی به چاپ رسانده است. کتاب پیش رو ترجمه کتاب دیگری از اوست با عنوان *جامعه - انسان‌شناسی ادیان*.

انگیزه ما از انتخاب این کتاب برای عرضه به خواننده فارسی‌زبان به تفکیک زیان‌آور و نامیمونی برمی‌گردد که بسیاری از کنشگران دو رشته جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی در ایران میان این دو رشته قائل‌اند، هرچند در چند سال اخیر شاهد تحولی در این زمینه بوده‌ایم. به باور ما، این تفکیک بیش از این‌که سویه‌ای معرفت‌شناختی داشته باشد، ریشه در تقسیم‌بندی‌ها و طبقه‌بندی‌های کاذب آکادمیک دارد. این درست است که، مثلاً در حوزه دین، نخستین جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان اهداف جداگانه‌ای را دنبال

می‌کردند؛ جامعه‌شناسان (مانند مارکس و وبر) عمدتاً به دنبال فهم تاریخی دین بودند، در حالی که انسان‌شناسان (مانند تایلور و فریزر) دغدغه کشف سرچشمه‌ها را داشتند و در اندیشه ارائه فهرستی از صور ابتدایی زندگی دینی (جان‌گرایی، توتیمسم، فتیشیسم، پرستش ارواح نیاکان) بودند، اما در چند دهه اخیر این دو رشته از جهات مختلفی اعم از روش‌شناسی، ابژه و میدان پژوهش و نوع رویکرد همگرایی‌های بسیار داشته‌اند. کاربرد فزاینده روش‌های کیفی و مردم‌نگارانه (مشاهده مستقیم، مصاحبه، پرسشنامه، بررسی‌های اسنادی و غیره) در جامعه‌شناسی، گسترش حوزه پژوهش‌های انسان‌شناسی به جوامع شهری و نگاه متأملانه (بازاندیشی) در حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی، که بیشتر برگرفته از رویکردهای انسان‌شناسی است، همگی بر وجود مرزهای بسیار نفوذپذیر این دو رشته دلالت می‌کند. ما از ضرورت تقسیم کار و تخصصی‌شدن حوزه‌های علمی که اقتضای حرفه‌ای‌شدن آن‌هاست ناآگاه نیستیم، اما هم‌زمان، از وجود فشارهای آشکار یا پنهانی که به‌ویژه از سوی برخی صاحبان سرمایه نمادین (و مطمئناً برخی سرمایه‌های دیگر) بر کنشگران جامعه‌شناسی کشورمان وارد می‌آید غافل نیستیم؛ تلاش برای به‌حاشیه‌راندن انسان‌شناسی و مشغول‌کردن آن به پرسمان‌های مألوف و معمولی که حتا خود پژوهشگران انسان‌شناسی (و مردم‌شناسی) در ایران نیز باور کرده‌اند که جزو «طبیعت» این رشته است. افزون بر این، هنوز هم دوگانه‌های مفهومی ابتدایی/پیشرفته، پیشامنطقی/منطقی، توسعه‌نیافته/توسعه‌یافته، روستایی/شهری و... در عادت‌واره بسیاری از پژوهشگران میدان علوم اجتماعی تعیین‌کننده و قوی است.^۱ دل‌نگرانی ما هم این است که تفکیکی که از آن سخن می‌گوییم نه تنها این دو رشته را از غنای منابع نظری و تجربی یکدیگر محروم سازد، بازتولید سازه‌های اجتماعی دوگانه‌انگاری را که بدان اشاره کردیم دامن زند که نتیجه‌ای جز عقیم‌سازی علوم اجتماعی نخواهد داشت. عنوانی که نویسنده

دیباچه مترجم ۱۵

برای کتاب حاضر برگزیده و روش و رویکرد او در نگارش آن، فراخوانی است به نگاه مکمل و همگرای دو رشته انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی. همان‌گونه که وی در پیش‌گفتار اشاره می‌کند، در جهان کنونی که جوامع سنتی و مدرن تأثیرات متقابلی بر یکدیگر دارند و شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نیاز به تغییر را ضروری کرده است، دیدگاه‌های فروبسته پیشین ناتوان از فهم این دگرگونی‌ها و بازترتیب‌بندی‌هاست. تنها در پرتو نگاهی همگرا میان انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی است که می‌توان به شناخت باورها، مناسک و رفتارهای دینی در جوامع امروز رسید.

کتاب پیش رو حاصل سلسله درس‌ها و کنفرانس‌های پروفیسور ریویر در دانشگاه سوربن است که توسط انتشارات ارمان کولن^۲ در فرانسه به چاپ رسیده است. نویسنده در این کتاب تلاش می‌کند ضمن ارائه فشرده‌ای از نظریه‌ها، مفاهیم و روش‌های انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی ادیان و رویکردهای بنیادین این دو رشته، به بیان دستاوردهای پژوهشی جدید درباره امر دینی بپردازد که از بسترهای بسیار گوناگون اجتماعی-فرهنگی گزینش کرده است. از این رو، وی پس از معرفی آرا و نظریات اندیشمندان کلاسیک (دورکیم، وبر، اُتو، فریزر، کایوا، موس، الیاده، لوی-استروس، باستید، دومزیل و...)، برای فهم بهتر گونه‌گونی و پیچیدگی روزافزون بروز و نمودهای دین در جهان امروز، چارچوب‌های تحلیلی نوینی را پیش روی خواننده قرار می‌دهد.

کتاب از پنج بخش تشکیل شده است. ویژگی مشترک تمامی بخش‌ها چشم‌انداز گسترده و در عین حال سنتتیک به موضوعات مورد بحث چه در جوامع سنتی و چه در جوامع مدرن است. بخش نخست به میدان ویژه انسان‌شناسی دین اختصاص یافته که دل‌مشغولی نخستین آن شناخت «سرشت» دین در جوامع موسوم به جوامع ابتدایی بوده است. نویسنده در همین بخش به سراغ نظریه‌های انسان‌شناسی مدرن و مفهوم‌سازی‌های آن در زمینه امر

قدسی، دین، جادو، اسطوره و منسک می‌رود. همچنین بر نقش تعیین‌کننده آثار جامعه‌شناسان (و در رأس آن‌ها دورکیم و وبر) در رهانیدن انسان‌شناسی از دریافت‌های کم‌وبیش انحصاری فلسفی و روان‌شناختی در زمینه امر دینی انگشت می‌گذارد. موضوع بخش دوم جایگاه و کارکرد اسطوره در بسترهای اجتماعی-تاریخی آن است. وی همچنین خوانش‌های روان‌کاوانه، ساختارگرا، کارکردی و مردم‌شناختی اسطوره را یادآور می‌شود. در بخش سوم نویسنده به کاوش در مناسک می‌پردازد که داو کانونی آن، به‌زعم وی، مسئله شر و موضوع پاکی است. او دعا، گونه‌های مختلف قربانی (پاک‌کننده، قداست‌بخش، کفاره‌ای و...)، مناسک مربوط به مقاطع چندگانه زندگی و مرگ و نیز مناسک تسخیرشدگی و غیب‌گویی را با اتکا به نمونه‌هایی فراوان از گستره‌های بس گوناگون اجتماعی-تاریخی و با اتخاذ رویکرد هم‌زمانی و درزمانی بررسی می‌کند. بخش چهارم به پدیده‌های بسیار متنوعی که در حاشیه دین یافت می‌شوند اختصاص یافته است، مانند جادو در جوامع مدرن و رشد باورهای بازترکیب‌بندی‌شده در زمینه غیب‌گرایی، باطنی‌گری، سحر و شمنیسم. نویسنده در بخش آخر هم تأملات خود را بر باورها و رفتارهای نوپدید (عصر جدید، «سحابه‌های رازروانه-باطنی»، بریکولاژ روحی-روانی، دگردیسی‌های دینی در کشورهای جهان سوم) متمرکز می‌کند. او این کار را با پرسش از نظریه «افسون‌زدایی جهان» در دوران مدرن و در بستر سکولاریزاسیون انجام می‌دهد و سپس توجه خود را مشخصاً به نوبه‌نوشدن، افسون‌زدگی در بستر نوین تاریخی، دگردیسی‌هایی در بروز و نمودهای امر دینی (آیین‌های جدید، پیام‌آورگرایی‌ها، موعودگرایی‌ها) و پدیده مهم درهم‌گرایی، که در نقاط مختلف گیتی در حال رخ‌دادن است، معطوف می‌دارد. و در پایان، ضمن اشاره به تغییر و تحولات و نوسان‌هایی که در حوزه باورها و اعمال دینی در جوامع غربی در

دِیابچه مترجم ۱۷

جریان است، دیدگاه خود را دربارهٔ نسبت میان دین و مدرنیته و نیز سرنوشت دین در دنیای پست مدرن بیان می‌کند.

کتاب پیش رو نقاط قوت فراوانی دارد؛ از جمله، بیان روان، روشن و آموزشی آن، گردآوری حجم گسترده‌ای از داده‌های میدانی قدیمی یا جدید و بررسی آن‌ها در پرتو انبوهی از نظریه‌های کلاسیک و مدرن انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی، کاوش در موضوعات اصلی انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی دین در ظرف و زمینه‌های بسیار متفاوت تاریخی-فرهنگی و کوشش در جهت فهم تفاسیر متنوع و سیر تحولی آن‌ها، دغدغهٔ رودررو قراردادن رویکردها و نظریه‌های مربوط به امر دینی، شناخت دستاوردها و در عین حال نشان‌دادن کاستی‌های هر یک از این رویکردها و نظریه‌ها، دقت و ظرافت در معرفت‌شناسی باورها و اعمال دینی، مدل‌سازی مناسک، واکاوی جادو و سحر، و گشایش مسیرهای جدید پژوهشی به فراخور دگردیسی‌های رخ داده در میدان دینی. این کتاب همچنین حاوی نکات ارزندهٔ فراوانی، فراسوی حوزهٔ دین، برای پژوهشگران رشته‌های جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی است. بدون تردید، نه تنها علاقه‌مندان به گرایش‌های دیگر این دو رشته، همانند معرفت، سیاسی و پزشکی، نکات درخوری را در آن خواهند یافت، بلکه پژوهشگران رشته‌هایی همچون فلسفه، علوم سیاسی و روان‌شناسی نیز، به دلیل دیدگاه میان‌رشته‌ای نویسنده، می‌توانند از یافته‌های آن بهرهٔ فراوان ببرند.

در کنار قاب‌هایی که کلود ریویر به فراخور مقولات مورد بحث در متن کتاب فراهم آورده است و نیز افزودن اصطلاح‌نامه، ما نیز کوشیده‌ایم تا حد ممکن با پی‌نوشت‌های لازم و متعدد (همهٔ پی‌نوشت‌ها از مترجم است) و همچنین تهیهٔ نمایه‌ای از افراد و گروه‌های قومی و معرفی کوتاه آن‌ها در پایان کتاب به فهم بهتر مطالب کمک کنیم. ضمناً اثر دیگری که چندی پیش تدوین، ترجمه و وارد بازار نشر کردیم^۲، در تکمیل برخی آرای موجود در کتاب پیش

۱۸ جامعه - انسان‌شناسی ادیان

رو بسیار سودمند خواهد بود، چنان‌که نویسنده بارها در این کتاب به آرای برخی از نویسندگان اثر مذکور استناد کرده است.

شیراز، بهار ۱۳۹۷

علیرضا خدامی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

پی‌نوشت‌ها

۱. فیلیپ کرکوف کاربرد مفاهیم دوگانه‌انگار را عمدتاً میراث فلسفه می‌داند که سنت پژوهشی علوم اجتماعی را گرفتار خود کرده است. نگاه کنید به: *جامعه‌شناسی‌های نوین بین امر جمعی و امر فردی*، ترجمه علیرضا خدامی، تهران: انتشارات کتاب آمه، ۱۳۹۲، صص ۱۶-۱۹.

2. Armand Colin

۳. دین در جوامع مدرن (مقالاتی در جامعه‌شناسی دین)، دانیل ارویو-لژه، ژان-پل ویلم، پی‌یر برشون و دیگران، گردآورنده و مترجم علیرضا خدامی، نشر نی، چاپ نخست، ۱۳۹۵.

پیش گفتار

همه ما یقیناً دریافتی از دین داریم، اما چگونه دریافتی و از چه دینی؟ برای بسیاری از غربی‌ها دین دیگر چندان اهمیتی ندارد. این گفته در مورد یک افریقایی یا یک سریلانکایی صدق نمی‌کند. از دید یک فرد معتقد یهودی، مسیحی، مسلمان و هندو در کتب مقدس اسطوره‌ای وجود ندارد؛ این کتب چیزی جز حقیقت نیستند، تو گویی اسطوره شیوه‌ای برای صورت‌بندی آنچه ما حقیقت می‌دانیم نیست. هنگامی که نوشته‌های لوی-استروس را می‌خوانیم درمی‌یابیم اسطوره‌های مردمان به اصطلاح وحشی از اسطوره‌های یونان و روم باستان، که انسان‌گرایان^۱ لحن ستایش‌آمیزی درباره آن‌ها دارند، مضحک‌تر نیست. با وجود این، زمانی که به فرهنگ‌هایی متفاوت با فرهنگ خودی می‌نگریم، آیا رفته‌رفته به طرح این پرسش نمی‌رسیم که تنوع صور دینی با مفاهیمی مثل امر حقیقی^۲، امر نیک^۳، امر زیبا^۴ مطابقت دارد، یعنی همان مفاهیمی که در نظر افلاطون و ارسطو همبسته یکدیگر و متعالی‌اند؟ آیا یک سرشت [واحد] امر الاهی وجود ندارد که بتواند گوناگون‌ترین باورها را در خود جای دهد؟ به امید روزی که فیلسوف یا یزدان‌شناس^۵ بتواند پاسخی قطعی برای این پرسش بیابد!

پرسش‌های راهنما برای یک طرح پژوهشی

[پیش از هر چیز] مسئله‌ای هست که باید بسیار محتاطانه به آن نزدیک شد. اگر گفتن این که «دین من بر حق است» و یا «شاهد تجلی خدا بوده‌ایم» (در همه ادیان وحی، تجلی، معجزه، خلسه و... وجود دارد) یاوه است، به همان اندازه هم باور به این که «دین توده‌ای سحابی [شکل] ایدئولوژیک است که خردگرایی و فناوری پیشرفته آن را نابود خواهد کرد» بی‌معنی است، تو گویی سده بیست و یکم فرجام تاریخ علمی و فناورانه است و علم فهم هر آنچه وجود دارد، از جمله تمام گزینش‌ها و کنش‌ها، را میسر کرده است.

آیا معنا و سرشت اموری ثابت و غیر قابل تغییرند؟ هر دینی سنتی دارد که اقتداری متعالی برای آن قائل است. اما هر سنتی، از آن‌جا که [خاستگاهی] انسانی [دارد]، می‌تواند سازگاری‌ها، بازآفرینی‌ها و بازتفسیرهای عمل‌گرایانه فعال و آفرینش‌گرانه‌ای را موجب شود؛ سنتی که پیوسته درگیر بازی زیرکانه‌ای با [دوگانه به‌ظاهر متضاد] ایستایی و پویایی است.^۶ سنت‌ها به‌مثابه‌ی خاطره‌ی جمعی عمل می‌کنند، اما با انبانی پر از نشانه‌ها و نمادهایی که به شیوه‌ای گزینشی دائماً بازیابی و دستکاری می‌شوند و/یا بازفعالیت خود را از سر می‌گیرند.

در دنیای مدرن به همان میزان که ادیان در مواجهه با هم قرار می‌گیرند، افراد نیز به این گرایش دارند که دلبخواهانه آنچه نشانه‌ای از امر قدسی می‌انگارند برگزینند. دیگر ارجاع به ساحت متعالی با ساحت متعالی دینی یکی گرفته نمی‌شود. خرده‌گروه‌هایی که در جست‌وجوی رستگاری‌اند، از طریق متون، گفتارها، اعمال، مکان‌ها، بناها، امکانات مادی و یا اشخاص، ساحت‌هایی متعالی در مقیاسی کوچک می‌سازند؛ ساحت‌های فردگرایانه و یا ساحت‌های متعالی میانه‌حال (دین‌ورزی‌های عرفی، مردمی، سیاسی) که پاسخگوی نیازهای معنوی‌اند. در عین حال، این خرده‌گروه‌ها نوعی کثرت‌گرایی^۷ را در امر باورداشتن^۸ به نمایش می‌گذارند که آرمان‌شهر^۹ نیز در آن جایگاهی دارد، مگر

پیش‌گفتار ۲۱

این‌که خداناباوری^{۱۰} و تعلق خاطر به علم یا فلسفه عصر و زمانه حجابی شود بر جست‌وجوی بی‌انتهای معنای زندگی. آیا همان‌گونه که دانیل ارویو-لژه^{۱۱}، با یادآوری نکته‌ای از ژان سِگی^{۱۲}، مطرح می‌کند، بهتر نیست به جای این‌که امر دینی را رسوبی و رو به تقلیل بینگاریم، چیزی که جامعه‌شناسان دین ضمنی یا دین استعاری می‌نامند، از دستگاه ساختاریخش امر دینی مدرن^{۱۳} سخن بگوییم؟ کانون توجه بخش آخر کتاب حاضر بر پویایی‌های دینی جهان معاصر متمرکز خواهد بود. اما پیش از آن، در بخش نخست، کوشش ما تدقیق در معنای واژه‌های «دین» و «امر قدسی» خواهد بود. برای این کار با تأملات بسیار در تجربه زیسته امر دینی، تجلیات آن و نیز تزه‌های اولیه انسان‌شناسان درباره اصیل‌ترین شکل این تجربه — که گمان می‌کردند ساده‌ترین آن نیز هست — به تشریح آن‌چه امر دینی قلمداد می‌شده است می‌پردازیم.

در بخش دوم، بُعد قدسی باورها مطرح می‌شود و محتواها و خوانش‌های ممکن در این زمینه که در قالب گزاره‌ها، عقاید، گرایش‌ها و اسطوره‌ها بروز می‌یابد بررسی می‌شود.

بخش سوم به کاوش در رفتارهای مناسکی آیین‌های گوناگون اختصاص دارد. هدف از این کار تمهید نظریه و تمرکز بر چند نوع مهم‌تر از این رفتارهاست، مثلاً دعا، قربانی، رازآموزی، غیب‌گویی و تسخیر.

در بخش چهارم، کنکاش در پدیده‌های جادو، سحر، شمنیسم، که در دنیای مدرن جانی دوباره گرفته و انسان‌شناسی به بازتفسیر آن‌ها پرداخته است، ما را به مطالعه آن‌چه حواشی دین نامیده می‌شود ترغیب می‌کند و این در شرایطی است که بیشتر این رفتارها به ریشه ادیان سنتی و حتا باورها و سلوک امروز ما رسوخ کرده است.

در بخش پنجم، که آخرین بخش است، وضع و حال جهان امروز بررسی می‌شود. آیا لائیسزاسیون جهان امری است گریزناپذیر؟ اگر آری، به چه

شکل؟ آیا با ادیان عامه نهان یا عقب‌نشینی برخی ادیان سنتی مواجه هستیم و یا با سیل بنیادگرایی^{۱۴}، فرقه‌گرایی^{۱۵} و یا پیام‌آورگرایی^{۱۶} و آیین‌های^{۱۷} نوپدید؟ چگونه بسترهای موعودگرایی^{۱۸} و درهم‌گرایی^{۱۹} فراهم شده و نشو و نما یافته است؟ چه نوع موعودگرایی و درهم‌گرایی؟ چرا؟ چگونه؟

علت این که کتاب حاضر را *جامعه - انسان‌شناسی ادیان* نامیده‌ایم - هر چند در اصل این کتاب به انسان‌شناسی دینی^{۲۰} مربوط می‌شود - این است که می‌خواهیم با عزمی جزم غبار از چهره انسان‌شناسی ادیان^{۲۱} به سبک و سیاق گذشته و پرسمان‌های به‌غایت مناقشه‌آمیزش بروییم، چرا که چندین دهه است در جای‌جای گیتی، ادیان به اصطلاح سنتی و قومی و ادیان جهان‌گرا^{۲۲} رو در روی یکدیگر قرار گرفته‌اند که حاصل آن بده‌بستان‌ها و اثرگذاری‌های متقابل بوده است، چنان‌که امروزه برای فهم کیش امپراتوری روم و ژاپن باستان، و نیز فهم و ادراک مراسم قربانی ودایی و افریقایی، اسطوره‌های سرخ‌پوستان امریکایی و اسطوره‌های یونانی، غیب‌بینی^{۲۳} و باطنی‌گری^{۲۴} زمین‌خوان^{۲۵} مون‌دانگ^{۲۶} و خانم خورشید^{۲۷} از ابزار [مفهومی] مشابهی بهره می‌گیریم. باز ترکیب امر دینی در یک فضای بسته روی نمی‌دهد. رویکرد ما در این کتاب نوگرا، مقایسه‌ای و نقادانه است. این رویکرد داعیه به‌چالش‌کشاندن برخی حصاربندی‌های رشته‌ای را نیز دارد.^{۲۸}

پراکندگی رشته‌ای در علوم ادیان

رشته‌های بسیاری به امر دینی می‌پردازند. از این رو بهتر است جایگاه رویکردمان را نسبت به این رشته‌ها مشخص کنیم:

- انسان‌شناسی دینی به توصیف، احصا و طبقه‌بندی پدیده‌های دینی بسنده نمی‌کند؛ دین را به‌منزله بخشی از فرهنگ در نظر می‌گیرد و می‌کوشد مشابهت‌ها و تفاوت‌های پدیده‌های دینی را در جوامع گوناگون توضیح

پیش‌گفتار ۲۲

دهد، بدون این‌که برای نهاد تک‌خدا انگار^{۲۹} که قالب وجودی اذهان غربی را شکل داده است امتیازی قائل باشد. انسان‌شناسی خود را به عهد باستان و یا جهان سوم محدود نمی‌کند، بلکه به کنکاش در مناسک نپالی، اسطوره‌های مردمان پاپو^{۳۰}، شمن‌های^{۳۱} سیبری و جن‌گیران^{۳۲} منطقه بروتانی^{۳۳} [در فرانسه] نیز می‌پردازد. کانون توجه این علم تا مدت‌ها جوامع کوچک، کم‌سواد و گاه باستانی بود که در آن‌ها امر قبیله‌ای با امر دینی اغلب درهم تنیده است. انسان‌شناسی دینی آشکارا اطلاعات، دیدگاه‌ها و روش‌های خود را با رشته‌های علمی مشابهی که همگی آغازگر فهم امر دینی بوده‌اند مبادله می‌کند.

- جامعه‌شناسی دینی، بدان‌گونه که ماکس وبر آغازگر آن بوده است، ادیان دارای کتاب را، به‌ویژه در تمدن‌های بزرگ، بررسی می‌کند — که گاه با جست‌وجوی کمی باورها، اعمال و اشکال سازمان دینی در جوامع پیچیده و شهری‌شده نیز همراه است.
- تاریخ ادیان، که آغازگر آن تطورگرایی سده نوزدهم بود، به مطالعه و مقایسه نهادها، باورها و آیین‌ها در گستره زمان و مکان می‌پردازد. این شاخه از علم سیر پیشرفت تاریخی ایده‌ها و ساختارهای دینی را مطمح نظر قرار می‌دهد. تاریخ ادیان گنجینه‌ای است از تجارب گذشته و حال که انسان‌شناس نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد.
- روان‌شناسی دین، که شامل تفسیرهای روان‌کاوانه نیز می‌شود، به پدیده‌های دینی در امر وجودی^{۳۴} توجه می‌کند: شیوه‌های بروز امر قدسی در انسان بر حسب سن، جنسیت یا شخصیت پایه، گوناگونی تعلقات، تجربه عاطفی مناسک و
- پدیدارشناسی ادیان از این اصل آغاز می‌کند که انسان امر قدسی را سرچشمه

- تحول درونی احساس می‌داند. امر قدسی عینیتی بیرون از انسان نیست، بلکه گواهی است بر پیوند با نوعی نیروی برتر که بر آگاهی سلطه یافته است؛ نیرویی که به آن عشق می‌ورزیم، از آن می‌هراسیم و برای آن احترام قائلیم.
- فلسفه دین انسجام منطقی نظام‌های دینی گوناگون را مطالعه و در نظریه‌های تبیین‌کننده تأمل و درنگ می‌کند: معنای واژه‌های کلیدی، تکرار مضمون‌ها، انواع استدلال‌ها و برهان‌ها، اثرات یک شیوه فکری بر فرد مؤمن و گروهی که این فرد جزوی از آن است.
 - یزدان‌شناسی ادیان توحیدی خود را به مثابه علمی هنجاری معرفی می‌کند که مقید و مشروط به ایمان است، ایمان به حقیقت مُنَزَلِ آن از سوی خداوند. این یزدان‌شناسی خود را انحصاری می‌پندارد؛ یعنی هر نوع دین دیگری را نفی می‌کند و به پرسش «به چه چیز باید باور داشته باشیم؟» پاسخ می‌دهد. آنچه در یزدان‌شناسی غالب است، تفاسیر آن در لحظه‌ای معین در یک دین است که به نحوی بایسته حکم تکفیر^{۳۵} صادر و علیه کفر آن‌گونه که می‌اندیشد مبارزه می‌کند.

احتیاط‌های لازم برای خوانش کتاب: ما در این کتاب ضمن بررسی دوباره شکل‌گیری گرایشی از انسان‌شناسی که شناخت اشکال عامه و شگفت‌انگیز ادیان را وجهه همت خود قرار داده است، سعی می‌کنیم از این نگرش رایج در جهان غرب دوری جویم که در هنگام مطالعه دین، ارزشی بیش از اندازه برای همگنی جماعتی^{۳۶} قائل می‌شود. ما بر نکات پژوهشی جدیدی پافشاری می‌کنیم: دین بیش از آن‌که از جنس باور باشد، تجربه است، یعنی اعمال دینی روزمره و شیوه اثرگذاری باورها بر زندگی باورمندان.

ضرورت نگارش کتابی سنتتیک متناسب با قالب آن می‌طلبد که تا حد امکان ایده‌ها و مثال‌ها را فشرده کنیم، چشم‌انداز تاریخی کوتاهی از این رشته

پیش‌گفتار ۲۵

ارائه دهیم، مثلاً موضوعاتی را که برای فهم اسطوره‌ها و مناسک اساسی‌اند کنار بگذاریم — به‌ویژه جنبه نمادین آن‌ها را (خوشبختانه واژه‌نامه‌ها و دانشنامه‌های فراوانی درباره این موضوعات یافت می‌شوند که از چارچوب امر دینی بسیار فراتر می‌روند)، و بسنده کنیم به چند سطر مختصر و مفید برگرفته از کارهایی که در هزاران صفحه کتاب و نشریه بیان شده‌اند.

شاید بیان این نکته عجیب به نظر برسد، اما می‌خواهم همین‌جا به خوانندگان درباره کج‌فهمی‌ها و یا خوانش‌های نخ‌نما و بی‌موردی که ممکن است از سخنان من یا همکارانم صورت دهند هشدار دهم. به‌ویژه از آنانی که می‌خواهند مباحث را به‌صورت عمیق‌تری دنبال کنند تقاضا می‌کنم خود را درگیر ایده‌ها و افکاری که به آن‌ها ارائه می‌شود نکنند و هرگز این ایده‌ها و افکار را قطعی نپندارند، وگرنه در دانش برای همیشه به رویشان بسته خواهد ماند و از سطح معینی فراتر نخواهند رفت (دانش فرو بسته بدترین نوع توهم است). من [در این‌جا] فقط وضعیت دانش انسان‌شناسی را در برهه‌ای معین از تاریخ بیان می‌کنم، اما از شما درخواست می‌کنم نقدهای احتمالی‌تان را با دلایلی همراه کنید که پشتوانه‌شان مشاهدات واقعی چندین و چند باره باشد و نه افکار فانتزی، داده‌های مقطعی و گزینش‌های دیکته‌شده ناشی از وابستگی [به این یا آن طرز فکر یا نظریه].

هر تعریفی فشرده و ساده‌کننده است و هدفی آموزشی دارد. تعریف معمولاً این نقیصه را دارد که میدان [پژوهش] را محدود می‌کند، که این [البته] هم به شکلی جزئی روی می‌دهد، زیرا گویای همه چیز نیست، و هم صورتی جانبدارانه دارد، چرا که الگویی را از الگویی دیگر برتر می‌داند. دعا نباید صرفاً مطابق الگوی مسیحی فردریش هایلر^{۳۷} تعریف شود؛ روزه باستید^{۳۸} این موضوع را در فصلی از کتاب *امر قدسی وحشی*^{۳۹} نشان داده است. اگر مقدمتاً و به طور دقیق امر جاذب، دلهره‌آور و پر رمز و راز را شناسیم (و این که چگونه

این سه با یکدیگر قرین می‌شوند)، خودِ امر قدسی با تعاریفی که رودلف اتو^{۴۰} پیشنهاد داده جور در نمی‌آید. اگر تعاملات و تبادلات چندگانه‌ای که جلوی مرزبندی‌های نفوذناپذیر بین امر قدسی و امر غیر قدسی را می‌گیرند وجود نداشتند، نمی‌توانستیم امر قدسی را کاملاً در برابر امر غیر قدسی قرار دهیم، همان‌گونه که [انسان‌شناسان] مدرن در مواجهه با دورکیم آن را یادآور می‌شوند. دو معنا از امر قدسی آن را به مفهومی شناور تبدیل می‌کند: آنچه از نیرویی الهی آکنده است و آنچه انسان حق ندارد در آن دخل و تصرف کند. نظام کاستی^{۴۱} که به باور اولیویه ارن اشمیت^{۴۲} فقط در هند وجود داشته، مبتنی است بر ایدئولوژی پاکی^{۴۳}، اما تل تَمَری^{۴۴} ثابت کرده است که کاست‌های فراوانی در جوامع متعدد وجود داشته‌اند که فواصل اجتماعی و مفاهیم پاکی و ناپاکی را به‌گونه دیگری به نمایش می‌گذاشته‌اند. بسیاری از جامعه‌شناسان سنخ آرمانی^{۴۵} وبری را دژ کرده‌اند تسخیرناپذیر، حال آن‌که از یاد برده‌اند که سنخ آرمانی خدا از باستانی‌ترین ادیان تا جدیدترین ادیان بسیار تغییر کرده است؛ آن‌ها از یاد برده‌اند که سنخ آرمانی دین [که انسان‌شناس یا جامعه‌شناس می‌سازد] اغلب همانی است که بدان دلبستگی داریم؛ آن‌ها از یاد برده‌اند که بسیاری از ادیان فاقد سازمان سلسله‌مراتبی و مشخصی هستند که بر اعتقادات جزمی، اخلاق و مناسک نظارت داشته باشد؛ آن‌ها از یاد برده‌اند که سنخ آرمانی صرفاً محصولی ناپایدار مبتنی بر انتخاب برخی از معیارهاست که نزد کسی که آن را بر ساخت می‌کند اساسی پنداشته می‌شود؛ آن‌ها از یاد برده‌اند که سنخ آرمانی پیوسته بازبینی می‌شود، زیرا معلوم شده آنچه دربارهٔ امر دینی مثلاً تمثیلی و یا استعاری انگاشته می‌شده است در گذر زمان سوبیه‌ای بنیادی‌تر از آنچه تصور می‌شد دارد.

وانگهی، ریشه‌شناسی تنها به فلان فرهنگ یا فلان دورهٔ تاریخی زبان ارجاع می‌دهد (مثلاً هندواروپایی، یونانی، رومی، عربی)، همان‌گونه که دربارهٔ اسطوره‌ها و مناسک خواهیم دید. پاپ، حتا به زبان رومی، دیگر

پیش‌گفتار ۲۷

به معنی سازندهٔ پلی که دو طرف رودخانه را با فنونی جادویی به یکدیگر متصل کند نیست، و این برخلاف چیزی است که روزه کایوا^{۴۶} می‌گوید. دربارهٔ منشأ نهادی مانند دین، هر کس آن را به سیاق خود تصور می‌کند و در صورت نبود دلایل تاریخی آن را بازترکیب می‌کند، که نتیجهٔ آن تفاسیر گوناگون تطورگرایان، مردم‌شناسان و روان‌کاوان است. تطورگرایان تاریخ را در جهتی واحد و گریزناپذیر ترسیم می‌کنند، مثلاً مطابق مراحل [سه‌گانهٔ مشکوک فریزر] جادو/دین/علم؛ روحانیون خود را مجاز می‌دیدند عقل سلیم را بر اساس دین خود تعریف کنند و هر چیزی غیر از آن را (مانند خرافه و جادو) غیر عقلانی بدانند. این در حالی است که این به اصطلاح امور غیر عقلانی از منظر کسانی دیگر عقلانی هستند و به زندگی آن‌ها معنا می‌دهند؛ به همان اندازه عقلانی هستند که اعتقادات، رمز و رازها، معجزات، تأثیر اجرام سماوی و یا تمثیلات رمزآلود.

همچنین تلاش می‌کنیم سنخ‌شناسی‌ها، ردگان‌شناسی‌ها^{۴۷} و دسته‌بندی‌هایی را به دست دهیم. این که آن‌ها را ابزاری اندیشگانی بینگاریم که به‌ندرت طیفی از پدیده‌های قابل مشاهده را در بر می‌گیرند بستگی به سنجه‌هایی دارد که اغلب جزو ناگفته‌های طبقه‌بندی است. همهٔ الگوهای خوانش در گذر زمان زنگار خواهند گرفت، حتا جدول گیاه‌شناختی لینه. آنچه در این الگوها بدان ارج می‌نهند — مانند فلان یا بهمان عنصری که [در شرایط معمول] اصلی و اساسی فرض می‌شود — نسبی می‌شود و مانند خورشید مصر باستان رنگ می‌بازد. با گذشت زمان، بسیاری از مناسک به فرهنگ عامه تبدیل می‌شوند. به‌زعم ترولچ^{۴۸} یا قدیس یوحنا صلیبی^{۴۹} روح تسخیرکنندهٔ شمنیستی رودروی عرفان قرار می‌گیرد. **نبوغ مسیحیت**^{۵۰} شاتوبریان معادل خود را بعدها در کتاب **نبوغ پرستش ارباب انواع**^{۵۱} مارک اوژه می‌یابد. آن‌هایی که از امر قدسی بالنده

سخن می‌گویند نباید از نبود جوش و خروش منسک‌گری^{۵۲}، جست‌وجوی امر عاطفی در امر قدسی متفاوت، یعنی امر قدسی عصر جدید^{۵۳}، بودائیسیم با کاربردی غربی و یا کیش کالبد^{۵۴} چشم بپوشند. و مدافعان سکولاریزاسیون یا قدسی‌زدایی^{۵۵} باید دستگاه به اصطلاح نظری خود را بر حسب کشور و زمان مورد مطالعه حک و اصلاح کنند.

می‌بینیم که وسوسه طبقه‌بندی واقعاً وجود دارد، اما آیا این موضوع به معنای این نیست که همه ما از طبقه‌بندی به‌ویژه برای به‌سخره‌گرفتن چیزی که خوشایندمان نیست استفاده می‌کنیم؟ در حالی که سده هجدهم چهره خرافات را برای همگان افشا کرد، و در حال حاضر از [نام] فرقه به عنوان برجسی نخ‌نما و یا مترسکی که از فاجعه‌ای قریب الوقوع خبر می‌دهد استفاده می‌شود، نباید از یاد ببریم که فلان یا بهمان مذهب که احياناً دلبستگی و باورمان را به آن اعلام می‌کنیم، در آغاز شکل‌گیری‌اش توسط رومی‌ها و نیز یهودیان فرقه خوانده می‌شد، بدین دلیل که [همان‌گونه که از ریشه واژگانی این کلمه پیداست] از سرچشمه خود (secare) بریده بود^{۵۶}. این اتفاق در زمانی در حال وقوع است که شاهد افزایش گروه‌های پنطیکاستی^{۵۷} در سرتاسر جهان هستیم، گروه‌هایی که خود را زندانی ایده‌های خویش نمی‌سازند، دیگر گروه‌ها را طرد نمی‌کنند و خود را فقط کلیساهای نوین مسیحی می‌خوانند.

در چاپ جدید کتاب حاضر که بازبینی و اصلاح شده، صفحات جدیدی درباره جامعه‌شناسی اعمال دینی، جنبش‌های دینی معاصر و پیوندهای میان دین و مدرنیته افزوده شده است. به جبران این افزوده‌ها، مجبور شدیم چندین قسمت مربوط به مناسک و به‌خصوص بررسی نهایی را که در ویراست قبلی ذیل عنوان «دین و جامعه سیاسی» مطرح شده بود—حذف کنیم. این انتخاب بدین خاطر بود که تمامی بخش چهارم کتاب *انسان‌شناسی سیاسی*^{۵۸} با تدقیق بیشتری به مناسبات میان «قدرت و امر قدسی» اختصاص دارد.

پی‌نوشت‌ها

1. humanistes

2. le Vrai

3. le Bien

۴. نویسنده برای سه امر حقیقی، نیک و زیبا از حروف بزرگ استفاده کرده است تا نشان دهد که این مفاهیم بر امری واحد و جهان‌شمول دلالت دارند.

5. théologien

۶. توضیحی را در این باره لازم می‌دانم. در زبان انگلیسی و فرانسوی، واژه سنت (tradition) از ریشه لاتینی تراده (tradere) گرفته شده است، به معنای «انتقال دادن، تحویل دادن، سپردن». در دایرةالمعارف معتبر فرانسوی *Encyclopaedia Universalis* تأکید شده است که سنت «محدود به حفظ یا انتقال آنچه از گذشته می‌رسد نیست. در گذر تاریخ، عناصر جدیدی به سنت افزوده می‌شوند، بدین صورت که این عناصر با عناصر گذشته سازگاری می‌یابند». ژرژ بلاندیه، انسان‌شناس شهیر فرانسوی، هم در آثار خود این ایده را بسط داده است. وی سنت را نه کهنه می‌داند، نه ایستا. در نظریه او، امر مدرن بازخوانی و بازآفرینی سنت تعریف می‌شود. اصطلاحات او مانند «بازی با سنت» (jeu avec la tradition) و «بازی با قانون» (jeu avec la loi) در تداوم همین اندیشه است. بلاندیه بر نسل گسترده‌ای از انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان فرانسوی تأثیر فراوانی گذاشته است. در حوزه جامعه‌شناسی دین، افرادی مانند دانیل ارویو-لژه و ژان-پل ویلم، ایده وی درباره نسبت سنت و مدرن را مبنای تعاریف و نظریه‌پردازی‌های خود درباره دین قرار داده‌اند. کلود ریویر هم در جای جای این کتاب همین موضع را دارد.

7. pluralisme

۸. le croire، جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان دین در فرانسه میان دو واژه باور (la croyance) و باورداشتن یا امر اعتقادی (le croire) تمایز قائل‌اند. واژه نخست مفهومی است که رنگ اجتماعی-تاریخی گرفته است، در حالی که دومی مقوله‌ای شناختی و اعم از امر دینی است. از این رو، اگر برابر نهاد «معنادهی به زندگی» را برای آن برگزینیم بی‌راهه نرفته‌ایم. باورداشتن اعم از باور است و پس از استقرار در بستر تاریخی معینی شکل باور (یا اعتقاد) به خود می‌گیرد. افزون بر این، در نوشته‌های این پژوهشگران کمتر به تفکیک میان باور و ایمان که برخی یزدان‌شناسان و فلاسفه دین از آن سخن می‌گویند برمی‌خوریم، همچنان‌که در ادامه گفتارهای نویسنده خواهیم دید. علت این امر، بیش از هر چیز دیگری، این است که آن‌ها چنین تمایزاتی را در شمول پرسمان‌های جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی نمی‌دانند.

9. utopie

10. athéisme

11. Danièle Hervieu-Léger

۳۰ جامعه - انسان‌شناسی ادیان

12. Jean Séguy
13. dispositif structurant du religieux moderne
14. fondamentalistes
15. sectaires
16. prophétismes
17. cultes
18. messianismes
19. synchrétismes
20. anthropologie religieuse
21. anthropologie des religions
22. universalistes
23. voyance
24. ésotérisme

۲۵. géomancien، نگاه کنید به: اصطلاح‌نامهٔ پایان کتاب.

26. Moundang

۲۷. Madame Soleil، زن طالع‌بین پرتوپرداز و فرانسوی (۱۹۱۳-۱۹۶۶) که گاه شخصیت‌های مهم این کشور نیز به او مراجعه می‌کردند. پس از مرگ وی، خواهرزاده‌اش کار او را با همین پسوند اسمی پی گرفته است.

۲۸. شوربختانه این حصارگذاری‌های کاذب، که بیشتر از سر ناآگاهی است، در سپهر حیاتی رشته‌های علوم انسانی کشورمان به شدت رواج دارد.

29. institution monothéiste
30. Papoua
31. chamanes
32. exorcistes
33. Bretagne
34. l'existentiel
35. anathème
36. homogénéité communautaire
37. Friedrich Heiler
38. Roger Bastide

۳۹. *Le sacré sauvage*، باستید، انسان‌شناس و جامعه‌شناس فرانسوی، در این کتاب، که مشتمل بر مجموعه‌ای از مقالات است، «وحشی قدسی» را شکلی از پدیداری نوین امر قدسی در جهان مدرن می‌داند که از چارچوب نهادینهٔ پیشین (امر قدسی اهلی-بومی) خارج شده و در قالب‌های گوناگونی اعم از دین عامه، کیش ستارگان، اساطیر نوین و غیره بروز و نمود یافته است. مشخصات کامل این کتاب:

Roger Bastide, *Le sacré sauvage et autres essais*, Paris, Payot, 1975.

40. Rudolf Otto
41. système des castes

پیش‌گفتار ۳۱

42. Olivier Herrenschildt

43. pureté

44. Tal Tamari

45. idéal type

46. Roger Caillois

47. taxonomies

48. Ernst Troeltsch

49. Saint Jean de la Croix

۵۰. *Génie du christianisme*، کتابی است از فرانس-رُنه دو شاتوبریان (France-René de)

Chateaubriand)، نویسنده، مورخ و سیاست‌مدار شهیر فرانسوی (۱۷۶۸-۱۸۴۸)، که در دوره تبعید خود در انگلستان نوشت. وی در این کتاب، در جهت مخالف فلاسفه عصر روشنگری و انقلابیون فرانسه، از دانش و زیبایی مسیحیت سخن گفته است. این کتاب نه تنها بر زندگی دینی، بلکه بر فرهنگ سده نوزدهم تأثیر شگرفی داشته است.

۵۱. *Génie du paganisme*، کتابی است از مارک اوژه (Marc Augé)، انسان‌شناس معاصر

فرانسوی. او در این کتاب که حاصل کاوشی است میدانی در آفریقا به مقابله با پیش‌فرض‌هایی برمی‌خیزد که در عالم ادیان توحیدی و مشخصاً مسیحیت وجود داشته است. به باور اوژه، همانندی‌های فراوانی چه میان یونان باستان و آفریقای سنتی و چه میان جوامع متمدن و دنیای آفریقایی یافت می‌شود. وی ریشه‌های جوامع را متکثر می‌داند و پیش‌بینی می‌کند که در آینده گشوده‌تر هم خواهند شد.

52. ritualisme

۵۳. *New Age*، عصر جدید به جنبش‌های معنوی‌گرا اطلاق می‌شود که در نیمه دوم سده

بیستم در کشورهای غربی شکل گرفتند و هنوز هم تداوم دارند. این جنبش‌ها با تلفیق سنت‌های معنوی جهان شرق و غرب، پیکربندی‌های نوینی را در عرصه دینی به وجود آورده‌اند. فردی‌شدن و بریکولاژ از ویژگی‌های اساسی حرکت‌های عصر جدید است. این جنبش‌ها به دنبال آن چیزی هستند که «بیداری معنوی» نامیده می‌شود.

54. culte du corps

55. désacralisation

۵۶. برای توضیح بیشتر در این باره، نگاه کنید به: همین کتاب، ص ۳۲۴.

۵۷. pentecôtiste، به پیروان یکی از شاخه‌های مسیحیت انجیلی گفته می‌شود که در آغاز سده

نوزدهم در امریکا پدید آمد. تأکید بر نوزایش، تعهد اخلاقی، تعمید روح‌القدس، روحیه تبلیغ و جدایی کلیسا و دولت از ویژگی‌های برجسته این جنبش است. شمار هواداران آن را در جهان نزدیک به سیصد میلیون نفر برآورد می‌کنند.

58. Claude Rivière, *Anthropologie politique*, Paris, Armand Collin, 2000.

این کتاب به کوشش ناصر فکوهی به فارسی برگردانده شده است: کلود ریویر، *انسان‌شناسی سیاسی*، چاپ نخست، نشر نی، تهران، ۱۳۸۲.